

ای بلبل گلستان محبت الله در این عرصه هستی که بن و بنگاه نیستی است صد
هزار مشغولیت موجود هر کس بهوائی پرواز مینماید و بمشغولیتی مشغول و
بهوسی مسرور و از صهبائی مخمور تو که طیر آشیان احدیتی و حمامه حدیقه
عنایت خود را باین شئون دانیه مشغول مکن و در این باغ زخرف عالم فانی لانه و
آشیانه مگزین و در این گلخن ظلمانی مأوی و مسکن مخواه در حدائق قدس بر
اغصان سدره منتهی بنغمه و ترانه بپرداز و آغاز آواز کن و بعشق بازی با گل
جمال لا یزالی دمساز شو قسم بجوهر وجود که اگر باین مقام فائز گردی حنجرت
مزامیر آل داود گردد و آوازت تنزیه و تقدیس حضرت رب ودود